

۱۴۱۳۵۲۵

فیودار داستایفسکی

قمارباز

با نه تفسیر

مترجم

حمیدرضا آتش‌برآب

عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان

Faculty member, University of Guilan



۱۳۹۵

Dostoyevsky, Fyodor

سرشناسه : داستایووسکی، فئودور میخائیلوویچ، ۱۸۲۱ - ۱۸۸۱ م.
 عنوان و نام پدیدآور : قمارباز؛ یا نه تفسیر / فیودار داستایووسکی؛ مترجم: حمیدرضا آتش‌برآب.
 مشخصات نشر : تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری : ده، ۵۲۴ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۶-۰۸۸-۳
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
 موضوع : داستان‌های روسی - قرن ۱۹ م.
 شناسه افزوده : آتش‌برآب، حمیدرضا، ۱۳۵۶ - مترجم .
 رده‌بندی کنگره : ش ۱۳۹۴ / ق ۸ ۳۳۶۰ / PG
 رده‌بندی دیویی : ۸۹۱/۷۳۳
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۱۹۳۸۱۸

قرباز

با نه تفسیر

نویسنده: فیودار داستایووسکی

مترجم: حمیدرضا آتش‌برآب

چاپ نخست: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است.

انتشارات
علمی و فرهنگی



اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کورس)، کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن اداره مرکزی: ۸۸۷۷۴۵۰۰؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲؛ تلفن مرکز پخش: ۲۹ - ۸۸۶۶۵۷۲۸؛ تلفکس: ۴۵ - ۸۸۶۷۷۵۴۴
 آدرس اینترنتی: www.elmifarahangi.ir info@elmifarahangi.ir

www.ketabgostarco.com info@ketabgostarco.com

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶ - ۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶
 فروشگاه دو: میدان هفت‌تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن: ۷ - ۸۸۳۴۳۸۰۶

فروشگاه سه: بزرگراه شهید حقانی، بعد از ایستگاه مترو حقانی، خروجی کتابخانه ملی، کتابخانه ملی (نمایشگاه و فروشگاه دائمی کتاب)

فروشگاه چهار: خیابان کارگر شمالی، روبه‌روی پارک لاله، نبش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱

فهرست مطالب

۱	یادداشت مترجم
۳۳	تعارف
	تقسیمات
۲۸۳	آنها از خانه بیرون نه مدهاند ورونیکا شایاوالاوا
۲۹۴	فرم و فیتیشیزم: مدل ارنیک و اقتصادی در ادبیات. اندرو فینبرگ
۳۲۸	قمارباز: مطالعه‌ای در روانشناسی. جوزف فرانک
۳۶۶	قمارباز و مانون لسکو. سرگ دلز
۳۷۸	اعتراف ضدقهرمان در ساختار مری قمارباز. ناتالیا زیوالواوا
۳۹۰	قمارباز: سودای اروپا. والنتینا گابدوینا
۴۱۳	دنیای دگرگونی: تزلزل فراگیر در قمارباز. جوانی
۴۳۴	مرض قمار. فرناندو ماشادو دیاس
۴۴۸	قمار و شور: بی‌بی بیک پوشکین و قمارباز. گری رزنیس
۱	فهرست ترجمه قمارباز به برخی زبانهای مهم
۵۰۷	طرح جلد مشهورترین ترجمه‌ها

همواره می‌توان با خود به توافق رسید!
فیودار داستایفسکی

یادداشت مترجم

خوانندهٔ مهربان! پیش روی تو اتوبیوگرافیک‌ترین رمان فیودار داستایفسکی است که در بیست و شش روز پرداخته و نوشته شد؛ فتحی در نویسندگی و اتفاق که مرکز در جهان ادبیات دیده نشده است. قمارباز اثری است که اساساً در دستور کار قبلی نویسنده‌اش نبود و همه چیز خلق اساعه و در وضعیتی متشنج شکل گرفت! در آن سال غریب (۱۸۶۱)، برای دوران نویسندگی داستایفسکی؛ تنها روی جنایت و مکافات مرکز بود و اصلاً قصد نداشت همزمان سرگرم نوشتن دو رمان باشد! شرایط اما طوری پیش آورد که قمارباز باید بر حسب تقهیر نوشته می‌شد و جریان زندگی شخصی پیچیدهٔ داستایفسکی را هم به‌کل دگرگون می‌کرد!

نگارش و انتشار قمارباز

اولین بار قمارباز در مجموعه آثاری از داستایفسکی، که در ۱۸۶۶ منتشر شد، به دست خوانندگان رسید. طرح اولیهٔ رمان

اما در پاییز ۱۸۶۳ شکل گرفت و ۱۸ یا ۲۰ سپتامبر آن سال که داستایفسکی از رم به ستراخوف می‌نویسد:

سوزۀ داستان یک تیپ مهاجر روس است. یادتان باشد که سؤالات مهمی در نشریات روسیه دربارهٔ روسهای مهاجر بوده‌است و تمام اینها در داستانم شکلی خواهدداشت. و البته آناتِ معاصر و روزگار حیات درونی ما نیز تا حد امکان در آن انعکاس خواهدیافت. من طبع و سرشت ساده و طبیعی انسان را کار گرفته‌ام؛ انسانی که از بسیاری جهات رشدیافته، اما در هیچ مسیری تابه‌انتهای نرفته، اعتماد و باورش را از دست داده‌است. در عین حال حتی نمی‌تواند ایمان هم نداشته‌باشد؛ آنقدر که در برابر آتوریتی قیام می‌کند و همزمان از آنها در هراس است! دوسر را تسلای می‌دهد که در روسیه کاری از پیش نمی‌رو و بس. این یکان انتقادش متوجه آدمهایی است که از روسیه روس‌ها را با خودشان را مورد خطاب قرار داده‌اند. مزه اصلی ماجرا هم در این است که تمام عصاره و نیرو و هیاهو و جنجال و شجاعت‌های زندگی این بازی را بازی رولت متمرکز کرده‌است. قهرمانم قمارباز است، و همهٔ کارها را باز ساده، درست مثل *شوالیهٔ آزمنند* پوشکین که فقط یک آینهٔ ساده و صرف نیست. البته هرگز مقصودم قیاس خودم با پوشکین نیست و فقط از جهت روشنی مطلب بود که این مثال را آوردم. تهرمان من علاوه بر آن یک شاعر هم هست، اما مسألهٔ این است که او در برابر چنین شعری، حس شرم و گناه دارد؛ چراکه کاملاً متوجه نازل بودن شعرش هست، در کنار این که نیاز به خطر کردن، شخص او را در چشم خودش انسانی بلندهمت و نیک‌سرشت ساخته‌است. تمام حکایت، حکایت این است که چگونه سومین سال است در قمارخانه‌ها رولت بازی می‌کند.

داستایفسکی در تابستان ۱۸۶۵ ناچار شد به خاطر بدهیهای هنگفت حق نشر مجموعه آثارش را بفروشد به ناشری به نام ستیلوفسکی، که شیاد و کلاهبرداری بیش نبود. در ۱۷ ژوئن ۱۸۶۶ طی نامه‌ای به کوزوین کروکوفسکی می‌نویسد:

در قرارداد ما بندی بود که براساس آن متعهد شده بودم رمانی را برای انتشار آماده کنم که از دوازده صفحه کامل روزنامه کمتر نباشد و چنانچه تا اول نوامبر ۱۸۶۶ آن را به دستش نسانم، ستیلوفسکی حق دارد طی نه سال، تمام آثار من را که بنویسم، بدون حق تألیفی منتشر کند و کل پولش را به جیب بزند.

داستایفسکی که عموماً مذکور کار روی جنایت و مکافات بود، تا اوایل اکتبر ۱۸۶۶ در بازسازی خانه‌اش دست نگرفت. به این ترتیب، از زمان اجرای تعهدش تنها یک ماه باقی ماند و او ناچار دختر تندنویسی را به نام آنا گریگوروی یونا سنیتکینا برای کمک استخدام کرد، همان خانمی که چندین بعد از مسکو وی شد. داستایفسکی متن رمان را طی بیست و شش روز از ۴ اکتبر تا ۲۹ اکتبر - برایش می‌خواند و آن‌ها هم به سرعت می‌نوشت. می‌توان تصور کرد که داستایفسکی تا آن تاریخ واریاسیونهایی از متن یا طرحهای معین رمان را پیش خود آماده داشته‌است و به همین دلیل بود که با ساختاری آماده در ذهن توانست رمان قوی و البته پیچیده‌زبان و پیچیده‌طرح قمارباز را در زمانی چنان کوتاه بیافریند.

آنا گریگوری یونا درباره این که چگونه قمارباز نوشته شد، در خاطراتش مفصل آورده است.^۱ تا پیش از آمدن هرروزه آنا، داستایفسکی پیش‌نویسهایی را آماده می‌کرد، سپس از ۱۲ تا ۴ بعد از ظهر، با وقفه‌هایی کوتاه، متن را به آنا دیکته می‌کرد و او - هرروزه - در خانه متن را بازنویسی می‌کرد. قطعات باقیمانده متن قمارباز نوشته شده به دست آنا، گواه این است که داستایفسکی پیش از تحویل رمان به ناشر، باز هم تغییراتی در آن داده که کم هم نبوده‌اند. دستنویس رمان دقیقاً اول نوامبر ۱۸۶۶ به ستیلوفسکی تحویل شد (نام اولین رمان، رولین بورگ بود؛ نامی که بعداً رده‌اشته، به معنی شهر رولت). با این حال، ناشر اصرار داشت عنوان روسی تری بر کتاب باشد (این را از نامه داستایفسکی به گومین ر ۸ مه ۱۸۷۱ می‌توان دریافت). داستایفسکی هم با این کار - و رمان در جلد سوم مجموعه آثار داستایفسکی، که ستیلوفسکی منتشرش کرد، با عنوان قمارباز چاپ شد.

در مرکز روایت، قمارباز ما یکی از تبه‌ها مهاجر روسی است و در کنار او خانواده ژنرالی روسی تصویر شد است که آنها نیز از مهاجران روس هستند. آنها را می‌توان در شمار خانواده‌هایی اتفاقی دانست که از ساختار زندگی معمول اصلاحات اجتماعی بیرون آمده بودند، همانهایی که داستایفسکی در رمان‌های آبی بزرگ خود به تحقیق درباره زندگی‌شان پرداخت.

داستایفسکی شماری از چنین خانواده‌های روس مهاجری را در زمان سفر نخستش به اروپا (۱۸۶۲) از نزدیک دیده بود و

در این باره در تأملات زمستانی بر تأثرات تابستانی^۱ نوشته است. بر اساس آماری که در شماره پیک روس ۱۸۶۲ آمد، تنها در ۱۸۶۰ بیش از دویست هزار روس به خارج از کشور مهاجرت کرده بودند. جالب است که ایوان تورگنیف در رمان دود^۲ (۱۸۶۷) از نقطه نظری دیگر به موضوع روسهای مهاجر پرداخته بود که همزمان با قمارباز داستایفسکی هم منسر شد.

فراز و نشیب عشق قهرمان، که در جریان کارش در خانواده ژنرال به عنون معلم سرخانه شکل می گیرد، و عشق نادختری ژنرال - پالینا - بسیاری جهات داستان پیچیده رابطه داستایفسکی را پالینا را تکرار می کند. آپالیناریا سوسلووای معروف، محبوبه فیودار داستایفسکی بود و بعدها هم همسر واسیلی روزانوف فیلسوف داستایفسکی در یکی از نامه ها^۳ درباره این زن نوشته است:

این زن از آدمها همه چیز را به تمام می خواهد؛ همه کمالات را، کوچکترین نقص و فقدان کمالات برای این پذیرفتنی و بخشودنی نیست.

این کلمات را در معنای کاملش می توانیم به پالینا هم نسبت بدهیم. برخی مضامین قمارباز - چنانی که یادداشتی آپالیناریا سوسلووا نیز گواه آن است - از حوادثی کاملاً واقعی گرفته شده اند. از این رو، مناسبات عاشقانه پالینا با مرد

1. Зимние заметки о летних впечатлениях

2. Дым

3. Н. П. Сусловоу, от 19 апреля 1865 г.

فرانسوی - دوگریو - و میل پالینا به بازگرداندن پولهایی به او، دراصل، فکتهای بیوگرافی خود سوسلواوا است که فقط در رمان به شکل هنرمندانه‌ای تصویر شده.^۱

برای مؤلف قمارباز، گرایش دیگر قهرمان اصلی - آلکسی ایواناویچ - نیز نزدیک و آشناست و آن میل به قمار است. داستایفسکی پیوسته به نزدیکانش دربارهٔ علاقه‌اش به رولت در زمان سفر به اروپا چیزهایی می‌گفت. در یکی از نامه‌هایی که ۲۰ اوت ۱۸۶۳ از پاریس به کنستانت نوشته، از بازی هفتم فحیت برش در ویسبادن تعریف کرده و آورده‌است:

در آن چهار روز حواسم فقط جمع قماربازها بود. باورت نمی‌سود بمانی چندصد نفری گردونهٔ رولت می‌چرخید، اما غیر از دونفر کسی با پول زیاد نرדם که بازی بلد باشد. همه به‌کل در حال باختن بودند؛ چون بازی بلد نرندند. فقط یک زن فرانسوی و یک لرد انگلیسی بازی می‌کردند و نه تنها نمی‌باختند، کم مانده بود بانک آنجا را ورشکست کنند. خواهش می‌کنم فکر نکنید به خاطر این که نباخته‌ام من را به اغراق که مثلاً راز قضیهٔ برد و باخت را می‌دانم. راز این البته نه می‌دانم؛ رازی بی‌اندازه ساده و احمقانه در کار است و آن این است که باوجود هر تغییری در مراحل بازی ثابت‌قدم روی موضع خود باشی، بایستی، خویشتندار باشی و عصبی نشوی. همین و بس ...

تئوری بازی رولت مؤلف، که در نامهٔ مذکور تشریح شده، با افکار قهرمان رمان - آلکسی ایواناویچ - به‌خصوص در بخش آخر رمان همخوانی دارد. آنا گریگوریوونا به‌خاطر می‌آورد

1. Сулова А. П. Годы близости с Достоевским. М., 1928. С. 47—60.

که وقتی در جریان کار روی رمان دربارهٔ سرنوشت قهرمانهایش بحث می‌شده، داستایفسکی کاملاً طرف قمارباز را می‌گرفت و می‌گفت، بسیاری از احساسات و تأثرات قهرمان را به‌شخصه تجربه کرده‌است و تأکید داشت می‌توان شخصیت محکمی داشت و با زندگی خود نیز این را ثابت کرد، و با این حال نتوان در وجود خود با اشتیاق به بازی رولت جنگید و بر آن فائق آمد.^۱

قمارباز: - کاراکتری که داستایفسکی ساخت - پیشینهٔ ادبی دور درازی دارد و حتی ذکر سیاههٔ آثار ادبیات جهان، که در آنها سورهٔ قمار به‌کار رفته‌است، بی‌انتهای خواهد بود. خود داستایفسکی البته برند رمانش با سنتهای پوشکینی اشاره داشته‌است. در عین - بار - تنها باید تراژدیهای کوچک^۲ پوشکین را، که داستایفسکی از پیشگامان قمارباز بارها سخن می‌گوید، مد نظر داشت، بلکه اینجایی بی‌پیک^۳ پوشکین را نیز باید به‌یاد آورد. قمارباز و بی‌پیک را برخی جزئیات سوزه است که به هم نزدیک می‌کند. گرچه - قمارباز پوشکین - در بی‌پیک تنها یک اشتیاق دارد و آن - جنگ آوردن ثروت است. این ثروت به او توان تسلط بر مردم را می‌دهد. اما آلکسی ایوانوویچ داستایفسکی، که دوست هزارتا می‌بازد، درجا همه را به باد می‌دهد. در همین نقطه است که داستایفسکی تجلی یک سیمای روسی کامل را دیده‌بود.

1. Достоевская А. Г. Воспоминания. С. 65.

2. Маленькие трагедии

3. Пиковая дама

در جریان کار روی کاراکتر آلکسی ایواناویچ، داستایفسکی قطعاً تأثیری هم از دیگر اثر بزرگ پوشکین - دوئروففسکی - که قهرمانش خود دوئروففسکی است، گرفته بود. ترویبه روکاف، دوئروففسکی جوان را، که در نقش معلم سرخانه فرانسوی سر از خانه او درآورده، مربی و معلم می نامد و به ظرافت مایه ای تحقیرآمیز به این واژه می افزاید. آلکسی ایواناویچ قمارباز هم به شکل نازل و تحقیرآمیزی خود را در شرایطی، که می خواهد دست روی وضعیت وابسته خویش بگذارد، معلم یا اوچیتیل نامد بردارید و فصل یازدهم دوئروففسکی و فصل نخست دختر سران پوشکین را قیاس کنید با برخی قسمتهای قمارباز؛ باب این سه هم در رمانهای پوشکین و هم در قمارباز واژه روسی *учитель* در معنای معلم به عنوان تکه کلامی طعنه آمیز با ترسخریب فراوانه *outchil* آمده است.

رمان قمارباز مثل بانی آثار این دوره با یادداشتهای سیاسی - اجتماعی داستایفسکی ۱۸۶۱-۱۸۶۴ پیوند دارد و خصوصاً با تأملات زمستانی بر نورات، تابستانی. این پیوند پیش از هر چیز در طرح موضوعی نهفته است که در ساختار هنری قمارباز، نقش همان گرایش مؤلف را به سئالة تقابل اروپا با روسیه ایفا می کند. درحقیقت، بسیاری از تمهیدات این رمان صحنه آرایبی نتایجی است که داستایفسکی در قالب یادداشتهای سیاسی - اجتماعی درباره سفر نخستش به اروپا نوشته است. آلکسی ایواناویچ تیپ خاص جوانانی است که در روسیه برای خود جایگاه و مشغولیتی نمی یابند و به اروپا می روند و آنجا در پی چیز نامعلومی می گردند. دراصل، اما این

پرسوناژ در مقابل بارون وُرمرهلم و دوگریو قرار گرفته است؛ قمارباز ما نمی‌خواهد به الگوی آلمانی تعظیم کند و هرگز هم دوست ندارد زندگی‌اش را صرف رسیدن تدریجی به ثروت نماید.

کاراکترهای فرانسوی، آلمانی یا انگلیسی - از نظرگاه داستایفسکی - در گذر توسعه تاریخی این کشورها به فرم کامل و شناخته شده‌ای رسیده‌اند که آنان را از یکدیگر متمایز می‌کند. اما کاراکتر ملی روسی هنوز در جریان توسعه است؛ از اینجاست که من تران به سرشت بی‌شکل و بی‌صورت آلکسی ایوانوویچ ربالیایی اشاره از اینجاست که می‌توان گرایش ویژه فرد روسی را برای نبرد از تنگنایی که در فرمهای اجتماعی غرب به وجود آمد در کمال سرد و در همین مهم است که نویسنده ما برتری تاریخی روسیه را دیده است؛ چراکه می‌گوید: به این ترتیب و در آینده‌ای نزدیک روسیه می‌تواند راههایی را به ایده‌آل‌های اجتماعی بسازد و فراتر از این بیابد. در پیوند با همین موضوع است که در دان پت ایده‌مند و هنری رمان، نقش مهمی را آن سیمای ماده نبرد روسی - آنتانیدا واسیلی یونا - برعهده دارد؛ یک چهره به ظاهر نمایشی و مسخره که اتفاقاً محوری است و به ظرافت تمام پرداخت شده است.

دوگریو و مادموازل بلانش همان پارسی‌هایی هستند که داستایفسکی با استهزا و ریشخند پیش از این هم در فصول تجربه و بورژوا و بری‌بری و مابیش در اثر تأملات زمستانی بر تأثرات تابستانی از آنها نوشته بود. نویسنده، که مارکی دروغین

یا همان دوگریوی حقه‌باز و متقلب را همانم قهرمان نجیب و شرافتمند رمان قرن هفدهمی مانون لسکو گرفته، به طعنه دارد درجه سقوط بورژوازی فرانسه را به معرض نمایش می‌گذارد که ایده‌آلهای گذشته‌اش را از دست داده و به ورطهٔ مال‌اندوزی افتاده‌است.

اما شخصیتی انگلیسی در رمان هست به نام مستر استلی که معمایش هم آلکسی ایواناویچ را خوش آمده است و هم مادر بزرگ و حتی پالینا مجذوب شخصیتش شده‌اند. استلی قهرمانهای نیک و نجیب دیکنز و تگری را به خاطر می‌آورد؛ نویسندگانی که داستایفسکی آثارشان را بسیار با ارزش می‌دانست. چهرهٔ مستر استلی، که داستایفسکی فقط با حلوطی کلی ترسیمش کرده‌است، با تصور محافل دمکرات روسی از انگلیسی‌ها نیز همخوانی دارد. سالتیکوف-شیدرین در مطلب درخشانی با عنوان *حیات اجتماعی ما*^۱ (مه ۱۸۶۳) آورده‌بود که، یک مسافر انگلیسی همیشه و همه‌جا باغرور و اعتماد به نفس پدیدار می‌شود و همه‌جا آن تیپ اصلی‌اش را همراه خود دارد، آن هم با همهٔ جوانب قدرت و ضعفش.

قمارباز را بارها به اشکال مختلفی در روسیه دیده‌ام. سحنه برده‌اند و تقریباً همواره در برنامهٔ تئاترهای دراماتیک پای ثابتی بوده‌است. در ۱۹۱۶ پراکوفی یف براساس سوژهٔ قمارباز اپرایی نوشت که آن زمان در تئاتر سلطنتی مارینسکی پتربورگ اجرا شد.